

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

در مورد دلالت جملات خبریه مستعمله در مقام انشاء بر وجوب چند دلیل یا طریق بیان شده که ما تا اینجا سه دلیل یا طریق را بیان کردیم و دو دلیل یا طریق دیگر باقی مانده که باید بررسی کنیم.

دلیل چهارم

دلیل چهارم حکم عقل است. یعنی اگر مولا دستوری صادر کند، این دستور برای بندگان او حجت است و می تواند به واسطه این دستور، بر آنها احتجاج کند و بگوید که من به شما دستور داده ام و شما هم باید اطاعت می کردید. از نظر عقل مخالفت با این دستور مستلزم استحقاق عقوبت است و عذر عبد به اینکه من احتمال جواز ترک مامور به را می دادم، پذیرفتنی نیست. این بیان را ما در بحث از دلالت صیغه امر بر وجوب ذکر کردیم.

به نظر مستدل وقتی جمله خبریه در مقام انشاء بکار می رود عقل باز هم حکم به لزوم اطاعت از مولا می کند یعنی دستور مولا برای بندگان را حجت دانسته و مخالفت با آن را مستلزم استحقاق عقوبت می داند. از نظر عقل فرقی نمی کند که دستور و خواست مولا با چه لسانی بیان شود. اگر به صیغه امر بیان شود، عقل این حکم را دارد و اگر به جمله خبریه در مقام انشاء هم بیان شود، باز عقل این حکم را دارد زیرا فرض این است که ما یقین داریم متکلم و مولا که این جمله را بیان کرده در مقام انشاء حکم است و اساساً بحث مربوط به جایی است که ما یقین داریم مولا با این جمله دستور می دهد لذا کسی اشکال نکند که از کجا معلوم این جمله خبریه در مقام انشاء است؟! این احتمال یعنی خروج از فرض؛ زیرا فرض ما در این بحث این است که مولا با جمله خبری در حال بیان دستور است و ما می خواهیم ببینیم این دستور مولا، واجب الاطاعه است یا راجح الاطاعه! پس در اینکه مولا دستور می دهد تردیدی نیست لذا از نظر عقل فرقی نمی کند که خواسته مولا با صیغه امر ابراز و بیان شود یا با جمله خبریه. پس دلالت این جمله خبریه بر وجوب مستفاد از حکم عقل است.

بررسی دلیل چهارم

همان پاسخی که ما در بحث از صیغه امر به این دلیل دادیم اینجا هم می توانیم ذکر کنیم. البته جزئیاتی را در جلسات قبل اشاره کردیم و آن اینکه آیا این تقریر در واقع تقریر حکم عقل است یا حکم عقلاء است؟! در تعبیرات امام ره که در بحث از صیغه امر نقل کردیم، گفتیم: بخشی از عبارات ایشان ظهور در این دارد که این حکم عقلاء است اما قرائنی در کلمات ایشان وجود دارد که ظهور در این دارد که این به حکم عقل است. بعضی از شاگردان ایشان هم به همین نحو تقریر کرده اند.

عباراتی که ایشان در مناہج در مورد جملات خبریه ذکر کرده این است:

(لا اشكال في أن الجمل خبريه المستعمله في مقام البعث و الاغراء كالهيات في حكم العقلاء بلزوم اطاعتها)؛ شکی نیست در اینکه جملات خبریه مستعمله در مقام بعث در حکم عقلا به لزوم اطاعت مانند هیئات می باشند و بعد در چند سطر پایین تر می فرماید: (لما عرفت من أن البعث بأی دال صدر من المولی کان تمام الموضوع بلزوم الاتباع)؛ بعث با هر دال و بیانی صورت بگیرد و از مولا صادر شود، این تمام الموضوع برای لزوم اتباع و پیروی است زیرا اصل بعث مهم است. (انما الکلام فی کیفیت دلالتها علی البعث)؛ کلام در کیفیت دلالت این جمل خبریه است که آنها چگونه بر بعث دلالت می کنند. سپس ایشان می فرماید: (واللذی یمکن أن یقال انها مستعمله فی معانیها الخبریه بدعوی تحقیقها من المخاطب)؛ این جملات در همان معانی خبری خودشان استعمال شده اند یعنی در معنای مجاز استعمال نشده اند ولی گویا استعمال کننده خبر از تحقق این معانی از ناحیه مخاطب می دهد (مدعیاً أن المخبر به أمرٌ یأتی به المخاطب من غیر احتیاج الی الأمر)؛ به ادعای اینکه آنچیزی که او از آن خبر می دهد، بدون اینکه نیاز به امر باشد از سوی مخاطب امتثال می شود (لوضوح لزوم اتیان به بحکم العقل).

سخن امام (ره) این است که جمل خبریه ای که در مقام انشاء بکار می روند مانند (إِنَّ وَكَلْدَى يُصَلِّي)؛ در واقع در همان معنای خبری بکار می رود یعنی خبر می دهد که پسر او نماز می خواند ولی چون آنچه که این متکلم از آن خبر می دهد از نظر عقل اتیان آن لازم است، می گوید: این را مخاطب بدون اینکه نیاز به امر باشد انجام می دهد.

دقت کنید؛ در عبارتی که در دو سطر قبل خواندیم، امام (ره) فرمود: جمل خبریه در حکم عقلا به لزوم اطاعت مانند هیئات هستند و در اینجا می فرماید: لوضوح لزوم اتیان به بحکم العقل؛ برخی از شاگردان ایشان هم آنرا به عنوان یک دلیل عقلی ذکر کرده اند یعنی می گویند که عقل اینچنین حکم می کند که دستور مولا به هر بیانی که باشد لازم الاطاعة است و مولا نیز می تواند به آن احتجاج کند و از نظر عقل مخالفت با این دستور مستلزم استحقاق عقوبت است. این یک نحو تقریر بود.

یک عده هم اینگونه تقریر کرده اند که از نظر عقلاء مخالفت با چنین دستوری جایز نیست. به هر حال این که ما مبنای استفاده و جوب از جمل خبریه را حکم عقل بدانیم یا حکم عقلاء فرق می کند.

به هر حال اگر این را حکم عقل بدانیم، همان اشکالی که قبلاً در بحث از استدلال به دلیل عقلی در مورد دلالت صیغه امر بر وجوب گفتیم در اینجا نیز جریان دارد.

اشکالی که ما به چند تقریری که از دلیل عقلی شده بود ایراد کردیم این بود که حکم عقل به لزوم انبعاث یا لزوم اطاعت و اسحقاق عقوبت بخاطر مخالفت با دستور مولا، آیا از مطلق بعث استفاده می شود یا از بعث به نحو خاص؟ یعنی عقل به چه ملاکی می گوید دستور مولا لازم الاطاعة است؟ به نظر عقل اگر دستور به گونه ای باشد که عبد حق مخالفت نداشته باشد، اطاعت لازم است یعنی عقل اینگونه نیست که به طور کلی بگوید همه دستورات مولا به هر نحوی که باشد، واجب الاطاعة و لازم الاطاعة است بلکه عقل می بیند دستور مولا به چه ترتیبی است آیا دستور مولا به نحوی است که می شود با آن مخالفت کرد یا خیر؟ زیرا ترک برخی از دستورات به هیچ وجه جایز نیست اما برخی از دستورات مخالفت با آن جایز است یا ترک از نظر مولا اشکالی ندارد لذا در اینجا دیگر عقل حکم به لزوم اطاعت نمی کند پس حکم عقل به لزوم اطاعت و لزوم انبعاث و استلزام استحقاق عقوبت در اثر مخالفت، منوط به این است که نحوه بعث و امر و دستور مولا چگونه است پس در اینجا به

نحوی مصادره صورت گرفته، ما می خواهیم ببینیم خود این بعثی که مولا در قالب جملات خبریه می کند یا دستوری که به صورت جمله خبریه ابراز می کند، آیا به نحوی است که مخالفت آن لایجوز؟ یا به نحوی است که امکان مخالفت آن هست؟ لذا ما نمی توانیم بگوئیم چون در اینجا عقل می گوید مخالفت جایز نیست پس دال بر وجوب است؛ این اشکالی بود که قبلا گفتیم و این اشکال به این دلیل هم وارد می شود. آنچیزی که ما به دنبال اثبات آن هستیم، کأنّ مستدل در ادعای خود آنرا مفروض گرفته یعنی از طرفی فرض گرفته که جمله خبریه مستعمله در مقام انشاء دال بر وجوب است و سپس می گوید چون عقل مخالفت با این دستور را جایز نمی داند پس این دال بر وجوب است. این بیان مصادر به مطلوب است و به نظر ما قابل قبول نیست.

دلیل پنجم

دلیل پنجم حکم عقلاء و سیره عقلاء است. البته بهتر این است که سیره عقلاء بگوئیم چون ممکن است عنوان حکم عقلاء به نوعی با حکم عقل مشتبه شود هرچند می تواند حکم عقلاء منطبق با حکم عقل شود. این امر بستگی به این دارد که ما منشاء حکم عقلاء را چه بدانیم و چگونه آنرا تفسیر کنیم. به هر حال ما از آن به سیره عقلاء تعبیر می کنیم.

سیره عقلاء در مواجهه با جملات خبریه ای که در مقام انشاء استعمال می شوند این است که این دستورات را لازم الاطاعة می دانند و مخالفت با این دستور را مذمت می کنند یعنی تلقی عقلاء از این جملات، تلقی دستور و بعث لزومی است. عقلاء با این دستور ولو در قالب جمله خبریه ارائه شده باشد، معامله دستور لزومی و وجوبی می کنند یعنی خودشان را ملزم به اطاعت دانسته و کسی که با این دستور مخالفت کند و آنرا ترک کند، مستحق مذمت می دانند و او را مذمت می کنند پس بنای عملی عقلاء بر پیروی از چنین دستوراتی و استحقاق مذمت کسانی است که با آن مخالفت کنند هر چند عذری بیاورد که مثلا احتمال می دادم که این دستور، یک دستور لزومی نباشد؛ همه اینها نشان می دهد اگر جمله خبریه در مقام انشاء استعمال شود، دال بر وجوب است و دلیل آن هم واضح است. ما این بیان را در مورد صیغه امر گفتیم. اگر خاطر شما باشد، عمده دلیلی که ما برای دلالت صیغه امر بر وجوب است پذیرفتیم سیره عقلاء بود. همان دلیل در اینجا هم جریان دارد. ما باید به این نکته بیشتر توجه کنیم که از نظر عقلاء اصل دستور و بعث مهم است و فرقی ندارد که این در قالب صیغه امر بیان شود یا در قالب جمله خبریه بیان شود. وقتی عقلاء می بینند دستوری صادر شد می گویند حتما باید اطاعت کنیم و فرقی نمی کند این دستور به صورت کتبی باشد یا شفاهی باشد یا با صیغه امر باشد یا با جمله خبریه یا حتی با اشاره باشد فرض هم این است که قرائنی وجود ندارد زیرا وقتی قرینه ای باشد با کمک قرینه معنای آن اعم از وجوب یا ندب مشخص می شود. بحث ما در جمله خبریه در مقام انشاء بدون قرینه است. در اینجا به نظر می رسد که با سیره عقلاء می توانیم دلالت این جملات خبریه را بر وجوب استفاده کنیم.

هذا تمام الكلام في الجهة الثانية

اگر به خاطر داشته باشید، ما از ابتدا که بحث اوامر را شروع کردیم، گفتیم که در دو مقام بحث می کنیم: یکی درباره ماده امر بود و دیگری نیز در رابطه با صیغه امر بود.

در مورد ماده امر از چند جهت بحث کردیم: یک جهت مدلول ماده امر بود و دیگری دلالت ماده امر بر وجوب بود و بعضی جهات دیگر، در مورد صیغه امر هم گفتیم که در چند جهت بحث می‌کنیم: یک جهت در رابطه با مدلول صیغه امر بود و دیگری نیز در دلالت صیغه امر بر وجوب بود و سپس در ادامه بحث از صیغه امر به این مسئله رسیدیم که بررسی کنیم جملات خبریه در مقام انشاء هم آیا مانند صیغه امر هستند یا خیر؟!

«الحمد لله رب العالمین»